

اول فوراً پس از تعیین رئیس سنی در مجلس علمی با اکثریت تام یک رئیس و دو نایب رئیس که هر سه موقتی هستند متوالیاً بانتخاب فردی معین میشوند هر گاه در دونوبت اکثریت تام بدست نیاید در نوبت ثالث آنکسی که نسبتاً اکثریت دارد منتخب است اهم از اینکه در نوبت اولی وثانی در مورد او رأی داده یا نداده باشند اگر همه آراء در مورد چند نفر مساوی شد یک نفر از آنها بحکم قرعه منتخب خواهد شد.

(ماده هشتم نیز بضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۸ - هیئت رئیسه دائمی مرکب است از یک رئیس و دو نایب رئیس و چهار منشی و سه مباشر که یک نفر از آنها رئیس دفتر خواهد بود - انتخاب رئیس - نواب رئیس و منشیان و مباشرین موافق ماده دو خواهد بود.

نایب رئیس - پس باید تجدید انتخاب شود و آقایان باید دو نفر منشی دیگر انتخاب کنند آقای نظام السلطان فرمایشی داشتید.

نظام السلطان - چون اسم بنده را نوشته بودند میخواستم استدعا کنم که بنده را معاف بدارند **مبصر الملک** - بنده هم میخواستم عرض کنم خوب است انتخاب دو نفر منشی دیگر را بگذارند برای بعد از تنفس چون در باب هیئت مباشرت هم کاملاً آراء سنجیده نشده بعد از تنفس هر دو را یکمرتبه رای بدهند.

میرزا محمدعلیخان نماینده همدان - قبل از انتخاب یکدفعه عرض کردم باز هم آقایان اظهار لطف فرموده اند استدعا می کنم مخصوصاً این اظهار لطف را نسبت به بنده نفرمائید و آراء خودشانرا بدر ندهند بجهت اینکه بنده هیچ سمتی را در این هیئت رئیسه قبول نخواهم کرد.

ادیب السلطنه - بنده هم همین استدعای آقای میرزا محمد علی خان را دارم. (اوراق آراء اخذوبه ترتیبی که ذیلامندرج است (استخراج گردید)

عده اوراق رأی ۶۷ - مهره تفتیشیه ۶۷
 عماد السلطنه ۳۲ رأی - معتصم السلطنه ۲۹ رأی
 نظام السلطنه ۱۲ رأی - ادیب السلطنه ۱۱ رأی - حاج عزالمالک ۱۶ رأی - میرزا محمدعلیخان ۱۰ رأی - صدرالمالک ۲ رأی - حاج میرزا حسین خان ۲ رأی - مدحت السلطنه ۶ رأی - ملک التجار ۶ رأی - حاج شیخ اسدالله یکرای - آقا شیخ محمد جواد یکرای - آصف المالک یکرای - ورقه سفید ۳ عدد - آقای معتصم السلطنه ۲۹ - رأی دارند.

نایب رئیس - اکثریت نیست بممانند برای بعد از تنفس - یکربع تنفس است. (در اینموقع تنفس شده و پس از یکربع مجدداً جلسه تشکیل گردید)

نایب رئیس - چون دو نفر منشی ها دو مرتبه انتخاب شده و اکثریت تام حاصل نشد دفعه سوم انتخاب میکنیم اگر اکثریت تام حاصل نشد اکثریت نسبی کافی است.

(در اینوقت باز شروع باخذ و استخراج آراء گردیده و بقرار ذیل نتیجه حاصل شد) عده اوراق رأی ۶۳ - مهره تفتیشیه ۶۳ عدد - عماد السلطنه ۳۵

رأی - معتصم السلطنه ۳۰ رأی - حاج عزالمالک - ۲۴ رأی نظام السلطان ۱۴ رأی - مدحت السلطنه ۲ رأی - ملک التجار ۲ رأی - آقای شیخ محمد جواد - یکرای - ادیب السلطنه ۳ رأی - صدرالمالک ۱ رأی آقا میرزا محمدعلیخان ۶ رأی - وحیدالملک - یکرای - حاج شیخ حسین یزدی یکرای ورقه سفید ۳ عدد.

نایب رئیس - آقای عماد السلطنه با اکثریت ۳۵ رأی و آقای معتصم السلطنه ۳۰ رأی انتخاب شدند شروع میکنیم بانتخاب مباشرین برای انتخاب مباشرین اوراق رأی توزیع و بعد از استخراج آراء اینطور نتیجه حاصل شد (عده اوراق رأی ۶۱ - مهره تفتیشیه ۶۱ عدد.

ارباب کیخسرو ۵۱ رأی - حاج میرزا اسدالله خان ۲۹ رأی - وقار السلطنه ۲۴ رأی - شیخ الملک ۲ رأی - آصف المالک ۳ رأی - ملک التجار ۲۹ رأی - حاج - باباخان ۲۴ رأی - اعزاز السلطنه ۲ رأی - آقامیرزا محمد علیخان - یکرای - سردار سعید یکرای - حاج شیخ اسدالله ۲ رأی - آقا شیخ محمد حسین خوانساری یکرای - نظام السلطان یکرای - دکتر لقمان یکرای - سلیمان میرزا یکرای - ادیب السلطنه یکرای - میرزا - محمدنجات یکرای - وحیدالملک یکرای - مدحت السلطنه یکرای - ورقه سفید دو عدد.

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو با اکثریت ۵۱ رأی انتخاب شدند آقای حاج میرزا اسدالله خان و آقای حاج محمدعلی خان - ملک التجار ۲۹ رأی دارند و آقای خان باباخان و وقار السلطنه ۲۴ رأی بنابراین باید برای تعیین دو نفر مباشر تجدید انتخاب شود (ثانیاً برای انتخاب دو نفر مباشر اخذ رأی شده بقرار ذیل نتیجه بعمل آمد)

عده اوراق رأی ۶۰ - مهره تفتیشیه ۶۰ عدد
 ملک التجار ۳۳ رأی - وقار السلطنه ۲۳ رأی - خان بابا ۲۹ رأی - حاج میرزا اسدالله خان ۲۴ رأی - شریعتمدار یکرای - مدحت السلطنه ۲ - رأی - دکتر - لقمان یکرای - شیخ الملک ۲ رأی - حاج شیخ اسدالله ۲ رأی - آقا شیخ محمد حسن کروی دو رأی - حاج - عزالمالک یکرای.

نایب رئیس - آقای ملک التجار با اکثریت ۳۳ رأی انتخاب شدند و آقای خان باباخان چون ۲۹ رأی دارند و آقای شیخ میرزا اسدالله خان ۲۴ رأی بنابراین باید از برای یکنفر مباشر دیگر مجدداً شروع بانتخاب شود (ثانیاً برای انتخاب یکنفر مباشر اخذ رأی شده و بقرار ذیل نتیجه حاصل شد)

عده اوراق رأی ۵۶ - مهره تفتیشیه ۵۶ عدد
 حاج میرزا اسدالله خان ۲۴ رأی - وقار السلطنه ۲ رأی حاج شیخ الملک یکرای - حاج شیخ اسدالله ۲ رأی - صدرا لاسلام یکرای اعزاز السلطنه یکرای خان بابا خان ۲۴ رأی

نایب رئیس - چون آقای خان بابا خان و آقای حاج میرزا اسدالله خان هریک ۲۴ رأی دارند بنا براین باید مطابق نظامنامه یکنفر از آقایان بقرعه معین شوند

میرزا قاسمخان - آقای خان بابان خان ۲۳ رأی و آقای حاج میرزا اسدالله خان ۲۴ رأی داشتند **نایب رئیس** - خیر سه نفر منشی استخراج

گردداند و هر دو ۲۴ رأی دارند (در این موقع استقراع نموده و آقای خان باباخان بحکم قرعه معین شدند) **نایب رئیس** - آقای خان بابا خان از برای اداره مباشرت معین شدند شروع می کنیم بتعیین شعبات (در اینوقت بحکم قرعه شروع بتعیین شعب کردند و بترتیب ذیل معین شدند)

(شعبه اول)

منتصر السلطان - آقا شیخ یوسف - فرج الله خان سردار معظم - نظام السلطان - آقا میرزا محمدعلیخان نماینده همدان - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - سردار سعید - وحیدالملک - آصف المالک - حاج شیخ اسدالله آقامیرزا هاشم اشستانی - مشارالدوله - مدحت السلطنه (شعبه دوم)

حاج شیخ اسمعیل - سردار معظم نماینده خراسان - صدرالاسلام - معتصم السلطنه - آقا سعید امان الله - مبصر الملک - ادیب السلطنه - سردار معتصم مدعل الدوله - طباطبائی - آقای سیدفاضل - حاج میرزا - علیرضا - حاج سیدرضا

(شعبه سوم)

آقامیرزا طاهر متولی - عماد السلطنه - شیخ - الملک - ملک الشعراء - آقا رضا دهخوارقانی - حاج شیخ حبیب الله - دکتر لقمان - میرزا سلیمان خان - حاج شیخ فضلعلی آقا - شریعتمدار - حاج امام جمعه ناصرالاسلام - سلیمان میرزا

(شعبه چهارم)

مرآت السلطان - ملک التجار بوشهری - خان - باباخان - حاج مهذب الدوله - آقا شیخ محمد نجفی - مسات - مؤتمن الملک - میرزا طاهر تنکابنی - دکتر حسینقلیخان - صدرالملک - قوام الدوله - حاج میرزا اسدالله خان - امیر مؤید

(شعبه پنجم)

آقا سیدحسین کزازی - مدرس - حاج شیخ محمدحسین یزدی - عدل الملک - حاج عزالمالک - نجفقلی میرزا - محمدهاشم میرزا - صدرالمالک - حاج سیداسدالله - سلطان العلماء - آقا شیخ محمدحسن کروی - آقامیرزا محمد نجات - حاج معین التجار

(شعبه ششم)

مؤیدالاسلام - آقا شیخ یحیی - اعزاز السلطنه - آقا سیداسدالله چهارسوقی - حاج میرزا حسین کرمانشاهی آقا شیخ محمدحسین خوانساری - وقار السلطنه حاج سهم الملک - آقا شیخ محمدحسین استرآبادی - ارباب کیخسرو - حاج میرزا حسینخان نائینی - آقا شیخ محمد جواد میرزا قاسمخان

نایب رئیس - یکنفر باقی است افزوده میشود بشعبه اول (شریف العلماء) اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم میکنیم جلسه آتی - روز یکشنبه سه ساعت قبل از غروب دستور جلسه انتخاب کمیسیونها و قانون سرباز گیری چون انتخاب کمیسیونها در خارج خواهد شد قانون سرباز گیری جزو دستور خواهد بود (مجلس تقریباً دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۷۱

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه بیست و نهم شهر ذی قعدة ۱۳۲۳
 مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید.

غائبین با اجازه - آقایان شیخ الملک
مبصر الملک .
غائبین بدون اجازه آقایان نجفقلی میرزا محمد
هاشم میرزا. آقا شیخ محمد جواد .
مریض - آقایان ادیب السلطنه . آقا شیخ رضای
دهخوارقانی .

رئیس - قبل از اینکه صورت مجلس قرائت
شود بعضی عرایضی داختم که باید خدمت آقایان
عرض کنم از ده ماه قبل که آقایان اظهار لطف نموده
و بنده را بسمت ریاست منتخب فرمودند بنده هم خیلی
ساهی و جاهد بودم که از این حسن ظن و اعتماد
استحقاقی پیدا بکنم و همیشه اهتمام داشتم که بشرايط
اموری که به بنده محول فرموده اند عمل کنم اگر
هم در بعضی مواقع کوتاهی شده است میتوانم عرض
کنم که از راه تقصیر و عمد نبوده است آقایان هم
همیشه با بنده کمال مساعدت و همراهی را در پیشرفت
امور فرموده و کمال تشکر را دارم از چندین قبل یعنی
از چهار ماه قبل بواسطه علت مزاج و نفاختی که
داختم خیال کرده بودم از آقایان استدعا کنم که
بنده را معاف کنند ولی بواسطه استیضاج و تولید
بحران موقع را مناسب ندانستم استدهای خودم را
بمرض آقایان برسانم این بود که تامل کردم تا کابینه
تشکیل شود بعد از تشکیل کابینه هم چون دیدم
مدت زیادی بدوره انتخابیه هیئت رئیسه نمانده است
صلاح در این دیدم که باز هم اظهاری نکنم تا اینکه
دوره انتخابیه منقضی شده و بالطبع مستعفی شده باشم
در یک هفته قبل هم خدمت آقایان اظهار امتنان
خودم را کرده و تشکرات خودم را اظهار داشتم و
عرض کردم که در این انتخابات جدید بنده را از این
شغل معاف بدارند ولی باز هم اظهار حسن ظن
نموده و دوباره بنده را باین سمت معین کرده اند
ولی همانطور که عرض کردم علت مزاج باعث این
شده است که بنده نمیتوانم در این کار مداومت کنم
امروز هم محض احترام رأی آقایان شرفیاب شدم
سه چهار جلسه یا پنج جلسه دیگر هم حاضر میشوم و
بوظایفی که ببنده رجوع شده است عمل میکنم ولی
استدعا میکنم آقایان هم نظریاتی بفرمایند تا تکلیف
معین شود.

(صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۶ را آقای حاج
میرزا حسین خان قرائت نمودند)

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست یا
نیست؟ (اظهاری نشد) ایرادی نیست صورت مجلس
تصویب شد قبل از اینکه داخل در دستور بشویم يك
رقعه از طرف آقای رئیس السوزراه رسیده است
قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مجلس محترم شورای ملی - نظر بمراتب زحمات
و اهتمامات مرحوم علین مکان آیت الله خراسانی
اعلی الله مقامه که در استعزاز اساس مشروطیت متحمل
شدند پس از فوت آن مرحوم هیئت دولت پاس زحمات
ایشان را در نظر گرفته در تاریخ ۱۹ جمادی الاخر
۱۳۳۰ ب موجب تصویب نامه مقرر داشتند بر اینکه
از املاك خالصه دولتی ملکی که عایدی آن در سال
بمبلغ سه هزار تومان بالغ باشد بملکیت آقایان
آیت الله زادگان تفویض و تملیک شود که وسیله سهولت
معاش برای آنان فراهم بشود در آن ایام برای
اجرای مدلول تصویب نامه هیئت دولت در وزارت

مالیه چند مجلس مذاکره بعمل آمده بالاخره شدانک قریه
فخر آباد بانضمام قلعه و باغ آن و پنج سهم از ۱۲
سهم علی آباد که از خالصجات نیشابور است انتخاب
گردیده بموجب فرمان همایونی مورخه جمادی الاخر
۱۳۳۰ به آقایان آیت الله زادگان و اکتدار گردید
و چون در آن تاریخ این دو فقره خالصه جزء سایر
خالصجات نیشابور بموجب اجاره رسمی در اجاره حاج محمد
تقی شاهرودی و شرکاء ایشان استقرار داشت و فسخ اجاره
هم ممکن نبود پس از صدور فرمان ملکیت اینطور
مقرر شد که تا انقضاء مدت این اجاره مال الاجاره
رسمی این دو خالصه را مستاجرین هر ساله به کماشته
آیت الله زادگان به پرداختند و در واقع مستاجرین
از طرف آنها در این دو خالصه دخالتی داشته باشند
تا زمانی که اجاره منقضی شود و نیز در زمانی که
هیئت دولت این تصمیم را نموده و این فرمان تملیک
صادر شده در نظر داشته اند که پس از افتتاح مجلس
شورای ملی تصمیم مزبور به تصویب مجلس هم
مقرون گردد و یقین داشتند مجلس شورای ملی نیز
پاس حقوق آن مرحوم را را در نظر داشته تصمیم
هیئت دولت را امضاء خواهند فرمود اکنون که اجاره
خالصجات نیشابور در شرف انقضاء است هیئت دولت
لزوماً مدلول فرمان همایونی را در ضمن ماده واحده
به مجلس شورای ملی پیشنهاد میکند و تصویب آنرا
تقاضا و انتظار دارد.

ماده واحده - مجلس شورای ملی مدلول
فرمان همایونی مورخه جمادی الاخر ۱۳۳۰ را
راجع به تملیک شدانک قریه فخر آباد بانضمام
قلعه و باغ آن و پنج سهم از دوازده سهم علی آباد
که از خالصجات نیشابور است در باره آقایان
آیت الله زادگان خراسانی تصویب مینمایند
رئیس - این دفعه یکمسیون بودجه فرستاده
خواهد شد دستور امروز قانون سرباز گیری و بعد
انتخاب کمسیونها است مجلس را زود تر ختم خواهیم
کرد که آقایان وقت داشته باشند اعضاء کمسیونها
را همین امروز معین نمایند مذاکرات در کلیات
قانون سرباز گیری است در کلیات این قانون مخالفی
هست یا نیست (مخالفتی نشد) رای میگیریم داخل در
شور مواد بشویم یا نه آقایانیکه تصویب میکنند
داخل مواد شویم قیام نمایند.

(بالاتفاق قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده اول
قرائت می شود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۱) - اساس قشون گیری دولت ایران بطرز
بنیچه (خدمت اجباری خصوصی است).

رئیس - در این ماده مخالفی هست.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده در این
ماده يك توضیحی میخواهم اولاً لفظ (اساس) خوب
نیست انشاء الله اساس طور دیگر خواهد شد چون
قشون اجباری بهتر است علاوه بر این (خدمت اجباری
خصوصی) نوشته اند خدمت اجباری نیست آنچه
معمول بوده این است که سرباز دادن اجباری بوده
یعنی فلان محل مجبور است سرباز بدهد و الا خود
سرباز اجباری نبوده و داوطلبی بوده یعنی هر کسی
داوطلب میشد سرباز میشد خدمت اجباری یعنی کسی
مجبور باشد سرباز باشد در حالیکه تا بحال اینطور
نبوده است اگر بعد از این خواهد شد باید حد و حدش

را معین کنند که بچه ترتیب اجباری خواهد بود .
سر دار سعید مخبر همیسبون نظام -
اینکه میفرمایند سرباز دادن اجباری بوده ولی خدمت
اجباری نبوده و داوطلبی بوده این ترتیب را که بنده
اطلاع ندارم بجهت اینکه آنچه از قدیم در ایران
معمول بوده این است که صاحب منصب فوج یا آن
عده که برای سرباز گیری معین میشوند میروند بدهات
و آنهایی که باید سرباز بدهند سرباز های خود را
حاضر نمیکند آنوقت با ملاحظاتی که باید از طرف
وزارت جنگ بعمل بیاید و موافق نظامنامه سرباز گیری
باشد هر کدام از اینها را آن مأمور وزارت جنگ
برای سربازی انتخاب کرد مجبور است برود و سرباز
شود اینکه در بین الهالاین نوشته شده است (خدمت
اجباری خصوصی است) از برای این است که همه
آقایا مسبقاً در اغلب نقاط دنیا خدمت نظام اجباری
عمومی است یعنی هر کس بسن معین رسیده باید سرباز
بشود و ما امیدواری داریم که انشاء الله اینچاهم این
طور بشود و خواهد شد ولی امروز خدمت اجباری
خصوصی یعنی بطور نتیجه است که سرباز خودش
را در موقعی که فوج را احضار میکنند حاضر کنند
باین جهت اجباری خصوصی نوشته شده است .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - باز من نفهمیدم
تمام مالیاتها اجباری است این هم يك قسم مالیات است
که مردم باید بدهند خدمت اجباری این را نمیگویند
سرباز گیری اجباری است یعنی سرباز را مجبورند بدهند
اما خدمت اجباری نیست داوطلبی است هر کس داوطلب
شد و آن شرایط را داشت (یعنی سلامتی و غیره
آنرا قبول میکنند چون من نمیدانم چطور معین می
کنند آیا جریمه معین میکنند یا باختیار در این صورت
نمیدانم چطور اجباری است ؟ اینرا باید توضیح
بدهند تا بنده بدانم .

سر دار معظم - در این ماده آقای زنجانی يك
قدری دقت فرمودند بقرینه بنده اولاً تکلیف سرباز
را در این ماده معین نمی کنند که سرباز در
خدمت مجبور است یا مختار است بلکه تکلیف
آن تحمیلی را که باید بشود و بنام تحمیل سرباز گیری
میشود معین نماید چون تحمیل یا بنام مالیات است یا
افرادی است که قشون گیری باشد در اینجا لازم است
انواع تحمیل که ممکن است بنام قشون گیری وارد
شود گفته شود بالاخره سه نوع ممکن است این تحمیل
بشود یکی سرباز گیری عمومی اجباری یعنی تمام افراد
مملکت که دارای شرایط و سن معین شدند مجبورند
داخل در خدمت نظام بشوند این تحمیل سرباز گیری
عمومی است یکی داوطلبی است که از موضوع بحث
ما خارج است و یکی دیگر این است که (این تحمیل
و اجبار در دخول خدمت نظامی) در همه جای کشور
نباشد یعنی در يك مملکتی مثل مملکت ما که مقتضی
نمیدانند تمام جوانها خود شانرا که بيك سن معینی
رسیدند و دارای شرایط معین شدند داخل نظام
بکنند آنوقت بر بعضی جاها و حوزها بیکیه مقتضی
میدانند این تحمیل را می کنند و در مقابل
بعضی مراعاتهای دیگر نسبت بآنها میکنند
پس همه محلها مثل هم نیستند و بعضی دون بعضی
مجبور هستند سرباز بدهند اسم اینرا ما گذاشته ایم
قشون گیری طرز بنیچه یعنی قشون گیری که اجباری
است ولی در همان عالم اجباریت باز همومیت ندارد

و همه مجله‌ها در عرض هم نیستند پس این طرز را قشون گیری اجباری خصوصی میتوان گفت اما آن قسمت که راجع به تکلیف خود سرباز است راجع به این ماده نیست و در یکی از مواد بعد ذکر خواهد شد آن مسئله هم عمومیت نداشت که بگوئیم سابقاً هر کس داوطلب بود داخل قشون میشد خیر يك فاعله کلی نداشت در دستجات و در افواج ترتیب مختلف بود و در بعضی جاها گرفتن سرباز به نظر مالکین و رعایا واگذار میشد و در بعضی جاها خود دولت مداخله میکرد پس در گرفتن سرباز يك فاعله کلی نبود که بگوئیم داوطلب بوده‌اند یا مجبوراً هر دو شق بوده است در آنجاها که دولت خودش مستقیماً دخالت میکرد در آنجا نظر آنستیکه باید سرباز بشود مداخلت نداشت و از کلیه جوانهایی که بدرد سربازی میخوردند مختار بود هر چند نفری میخواست مطابق آن بنیچه که معین شده بگیرد ولو اینکه مخالف میل و اراده آنها باشد ولی همین اجبار در بعضی مواضع که اخذ سرباز به نظر مالکین و رعایا واگذار میشد يك قدری کمتر میشد بنده این را تصدیق دارم که در بعضی جاها خود دولت مداخله در اخذ سرباز نمیکرد و به نظر رعایا و مالکین واگذار میکرد و آنها ما بین خودشان يك قراری میدادند آنستیکه داوطلب برای خدمت بود حاضر میشد و او را بدولت تسلیم میکردند در کمسیون نظام دیده شد که واگذار کردن سرباز بخود اهل محل غلط است بجهت اینکه بالاخره اهل محل ذی‌نفع خواهند بود در اینکه همیشه يك سرباز بی با و اعتباری را معین کنند و بدولت بدهند بنا بر این یکی از مواد بعد این درجه اعتبار را سلب می کند و بالاخره لزوم مداخله دولت و اخذ سرباز تأیید و تأکید میکند و سلب آن اختیار شخصی را از آن کسی که داوطلبانه داخل میشود میکند و ببار آخری دیگر اراده و اختیار آن شخص که باید سرباز شود مداخلت ندارد باین جهت و با این ترتیب دیگر نمیشود کلمه داوطلب را اطلاق کرد و قیاسه تعریف اساس سرباز گیری خودمان را میکنیم باید بگوئیم سرباز گیری اجباری عمومی نیست داوطلبی هم نیست پس چیست؟ يك حد وسطی است که اسمش همان طوری که در ماده نوشته شده است (خدمت اجباری خصوصی است)

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)

(ماده دوم به این مضمون قرائت شد)

ماده (۲) اخراج بیاده و دستجات سواره و نویخانه تا تعدیل ثانوی که از طرف رزارت جنک بعمل میتواند بیاید کمافی السابق از مجله و ایلاتی که تا کنون مطابق بنیچه قشون میدادند گرفته میشود

حاج عز الممالک - این ماده يك حقی وزارت جنک میدهد چون مبنویسد (تا تعدیل ثانوی که از طرف وزارت جنک می تواند بعمل بیاید) بنده گمان میکنم اگر به این ماده رای بدیم در حقیقت وزارت جنک را مختار خواهیم کرد که تعدیل در ترتیب سرباز گیری بنماید یا این که شروع يك عملیاتی بکند در صورتیکه بمفیده بنده این مسئله محتاج يك قانون مخصوص است برای این که تا بحال قانون سرباز گیری بنیچه يك ترتیبی معمول

بوده و ولایات و بلوکات قسمت میشده است و هر ولایتی يك فوج یا دو فوج میداده است و بهمین ترتیب نسبت بدهات هم معلوم بوده است که بده چند نفر سرباز باید بدهد اگر چه این ترتیب بر وفق قانون نبوده است ولی بطور معامله که دولت با مالک و رعیت میکرده است بوده و عملاً يك فاعله معمولی بوده است که مالک میدانسته است چند نفر سرباز باید باین فوج بدهد اگر ما در این ماده رای بدیم ممکن است وزارت جنک از آن ماده استفاده کند و يك تغییراتی در شکل سرباز گیری یا در نفقات سرباز و قسمتهای بنیچه بدهد پس بنظر بنده اگر وزارت جنک مقیده دارد که ترتیب بنیچه حالیه بعضی نواقص دارد و اصلاحاتی در نظر دارد بایستی بموجب قانون مخصوص بمجلس پیشنهاد شود و از مجلس بگذرد والا همان ترتیبی که حالاً از حیث بنیچه افراد و انتخاب نظامی و توپچی ما بین مردم و دولت معمول بوده است باید معمول باشد و این حق را نمی شود بدون تصویب يك قانون مخصوص بوزارت جنک داد

سردار سهیل - مخبر تقریباً از صدسال قبل تا بحال که بنیچه در ایران معمول بوده است البته نهری است که بعضی دهات در بعضی ایلات و ولایات بوده است که حالا مغروبه و بلاسکنه شده است و بعضی دهات هم هست که آباد تر شده است تا بحال این مطالب بسته بنظر وزارت جنک و فرمان همایونی بوده است یعنی دهاتی که نمی توانستند از عهده سرباز خودشان برآیند یا بلا سکنه بوده بعد از عرض و حالیکه بوزارت جنک میگردند وزارت جنک تحقیق کرده نداشتن محل را از برای بنیچه تصدیق میکرد بعد فرمانی از طرف اعلیحضرت همایونی صادر میشد و سربازان محل بخشیده میشدند در مقابل از محل دیگر که آبادتر و جمعیتش زیاد تر شده بود سرباز گرفته میشد مثل اینکه هنوز هم این مسئله در آذربایجان يك رواجی دارد و هیچ آبادی نیست آنجا دوسه قران برای بخشیدن سرباز نباشد هم بنظر خیلی از مجله‌ها هست اول سربازش یکمده کمی بوده است بعد افزوده شده است امروز ما خواستیم برای اینکه صورتی باینکار داده شده باشد و تنها وزارت جنک تغییر و تبدیلی در امر سرباز نداده باشد یعنی محل هائی که نمیتوانند از عهده سرباز برآیند بنظر وزارت جنک تنها نباشد این بود که در ماده دوم يك شرحی نوشته شده که وقتی بآن ماده رسیدیم البته در این خصوص مذاکره خواهد شد و جواب عرض خواهم کرد .

حاج شیخ اسدالله - این فرمایشی که آقای

مخبر فرمودند و دفاع کردند راجع بهمان ماده دوم است که خودشان اشاره فرمودند در آنجا میگویند هر محلی که مغروبه شده و استمداد اداره آن عده قشونی را که ابواب جمع این شده است نداشته باشد و از عهده بر نیاید و وزارت مالیه تصدیق می نماید وزارت جنک میتواند تخفیف بدهد و از محل های دیگر که در آن حوزه واقع شده و معتبر تر است و زیاده از آنجا سکنه دارد سرباز بگیرد بلی این نظریه که آقای مخبر فرمودند خیلی صحیح است ولی ربطی باین ماده ندارد و تا وقتی که يك قانونی مخالف این قانون از مجلس نگذشته باید به همین حال

باقی باشد و نمی توان يك اختیاری بوزارت جنک داد که بدون قانون همه روزه بتوان تعدیل یا میزنی داخل يك عملیاتی بشود مگر آنکه يك قانونی به مجلس پیشنهاد کند و بعد از آنکه از مجلس گذشت آنوقت بموقع اجرا بگذارد پس این ترتیبی که در اینجا نوشته شده است موکول بتعدیل ثانوی کرده است (که از طرف وزارت جنک بعمل خواهد آمد) غلط است و باید همان ترتیب بنیچه که معمول بوده است معمول باشد تا وقتی که قانون تعدیل بعمل آید .

معاون وزارت جنک - بعضی از مجله‌های

افواج بده هست که استمداد دادن آن عده سرباز را ندارند مثلاً فیروز کوه استمداد دادن آن عده سرباز که با هم فیروز کوه قلم داده شده است ندارد پس وقتی که وزارت جنک عده افراد عمومی آن محل را تشخیص داد و تصور کرد که از فوج فیروز کوه صد نفر یادوست نفر کم میشود ناچار است تلافی این امر را در جاهای دیگر بنظر وزارت مالیه بکند و باید وزارت جنک يك اختیاری داشته باشد که بتواند این تعدیل را بکند و اگر این اختیار را نداشته باشد اساس بنیچه لغو میشود و تصور میکنم وزارت جنک که مشمول خدمت نظامی مملکت است باید آنقدر اختیار داشته باشد که با نظر وزارت مالیه (چون سرباز هم مثل مالیه يك تجملی است) بتواند این تعدیل را در موقعی که لازم بداند بکند .

حاج عز الممالک - بنده يك پیشنهادی

کرده‌ام چون توضیحی که آقای مخبر فرمودند شامل بعضی جزئیات بود و شاید بنده هم تصدیق کنم که در بعضی اوقات ممکن است همچو چیزی پیدا شود ولی باید این تصور را هم فرمایند که در هر مطلبی ما قانون وضع میکنیم باید جلوگیری از مضرات آن هم بکنیم این ترتیبی که میفرمایند تا بحال معلوم بوده است و بنده نمیخواهم معایب خیلی بد آنرا در مجلس بگویم فقط بطور اشاره عرض میکنم که این ترتیب نه رسوا حق میداده است يك ملکی را از دادن سرباز (که در حقیقت يك تجملی بوده است) معاف بدارند و بر ملک دیگر تجمل کنند حالا دیگر لازم نیست جزئیات آن توضیح داده شود بموجب سالنامه‌هایی که در ایران معمول بوده است افواجی را که میگرفتند به ایلات و ولایات و بلوکات که همه اسامی معینی داشته و حدودش هم معلوم بوده است تقسیم میشده است و نسبت بقرارداد بنیچه همه کس میدانسته است این قریه چند نفر سرباز باید بدهد پس اساساً باید تصدیق کنیم که تا وقتی که مایک قانونی دیگر وضع نکرده‌ام وزارت جنک باید مکلف باشد بهمان طوریکه سابق معمول بوده است سرباز بگیرد برای بعضی مجله‌های دیگر هم که استمداد ندارد و خراب شده است در جای دیگر این قانون پیش بینی شده است و ما در آنجا مخالفت یا موافقت خودمان را میتوانیم اظهار کنیم اما در اینجا بطور کلی نمیشود بوزارت جنک اجازه داد که خودش هر طور بخواهد تعدیل در طرز قشون گیری و بنیچه بکنند بنا مثلاً يك فوجی را از يك محلی منحل بکنند و بگویند قادر بدادن این فوج نیست یا اینکه بگویند این فوج را باید بلوک دیگر بدهد این بود که بنده پیشنهاد کردم بموجب یک قانون مخصوص باشد و قانون تازه از مجلس نگذشته است

همان ترتیبی که معمول بوده است مجری باشد

سردار سهیل (مخبر) - در اول که بنیچه سرباز گیری معمول شد يك نسبتی میان سرباز و مالیهات ملاحظه شد یعنی معین شد فلان بلوک هر هفت هزار دهشاهی یا یکتومان که مالیهات میدهد یک نفر هم سرباز بدهد و همین تناسب مالیهات و ولایات و ایالات را ستجدیدند اند سرباز گرفته اند و بطوریکه آقایان مسبقند این سرباز را به مالیهاتی بوده یعنی از روی مالیهات سرباز گرفته میشد و اینکه اینجا نوشته شده است (با نظر وزارت مالیه) برای این است که يك محل وقتی خراب شد لابد از عهده ادای مالیهات خودش نمیتواند بر آید آنوقت وزارت مالیه تصدیق میکند که فلان محل نمیتواند مالیهات خودش را بدهد در اینصورت بهمان نسبت سرباز خودش را نمیتواند بدهد این تصدیق وزارت مالیه که در اینجا قید شده است برای این موضوع است و البته بدون تصدیق وزارت مالیه وزارت جنک بشخصه نمیتواند يك محلی را کم کند یا يك محلی بیفزاید .

مدرس - بنده با این فرمایشاتیکه آقای

حاج عز الممالک و بعضی از آقایان فرمودند کاملاً موافقم و این توضیحاتی که آقای مخبر فرمودند متعلق بیکماده دیگری است که بنده میآید بنده عرض میکنم همینکه اینجا ذکر شده است یکسبب عده برای سس قشون ایران میشود بنده مشهودات خودم را عرض میکنم که در یک بلوکی نگاه میکنم می بینم چندین ده هست که سرباز ندارد سربازش چطور شده است؟ سربازش را برداشته اند برای اینکه مالک این ده یا یک ربابی بوده است که صاحب منصب یا حاکم یا آقا بوده است یا خود بنده بوده‌ام زور داشته‌ام سرباز را برداشته‌ام آنوقت سرباز این فوج کم شده اگر هزار نفر بود هشتصد نفر شده در عرض در یکجائییکه يك مردان بیچاره هستند و چهار نفر سرباز میداده اند چهار نفر سربازشان شش نفر شده است آنوقت آنجا که چهار نفر سربازش شش نفر شده است بی باشد است پس این ماده اگر هم سابقه داشته است مخصوصاً باید آن سابقه را برداشت و اما فرمایشی که آقای مخبر و بعضی دیگر از آقایان فرمودند متعلق بماده بدست که اگر دردی خراب شده باشد آنجا باید وزارت جنک با نظریات وزارت مالیه يك تعدیلی بکند و اینکه اینجا اختیار بوزیر جنک میدهد اصلاً محل احتیاج نیست .

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند.

(گفته شد کافی است)

دو فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود . (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم این ماده اینطور نوشته شود ماده دوم - افواج بیاده و دستجات سواره و نویخانه تا تعدیل ثانوی که لایحه آن از طرف وزارت جنک بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد کمافی السابق از مجله و ایلاتی که تا کنون مطابق بنیچه قشون میداده گرفته میشود - آصف الممالک

رئیس - پیشنهاد آقای حاج عز الممالک هم تقریباً همین طور است .

مخبر - این پیشنهاد را قبول میکنم .

رئیس - پس بکمسیون ارجاع خواهد شد ماده سوم خوانده میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده سوم - ایلات و مجله‌های سواره بده کما فی السابق مکلف بدادن اسب سوار نیز میباشد مگر در مواردیکه وزارت جنک آنها را معاف نماید .

حاج شیخ محمد حسن گروس - همچنانکه آقایان در ماده دوم مذاکره فرمودند که نمیشود اختیارات را بوزیر جنک داد مگر به پیشنهاد کردن بمجلس بنده هم لازم میدانم که در جزء اخیر ماده سوم عوض (معاف نماید) پیشنهاد نماید نوشته شود .

سردار معظم - بنده در ماده دوم اجازه خواسته بودم اظهار عقیده نمایم نوبت بنده نرسید در اینجا هم خیلی متأسفم که در مجلس گفته شود برای معافیت اسب سوار باید بمجلس شورای ملی پیشنهاد کنند و وزارت جنک کسب اجازه از مجلس بکنند این يك چیز واضح معینی است که معمولاً اسب در همه جا متعلق بدولت است و دولت فقط نفقات سوار را میگیرد و آنوقت اسب به آنها میدهد ولی در مملکت ما چون ایلات زیاد داریم و خودشان اسب دارند و مخصوصاً دولت وقتی که سرباز میگیرد است یک نفر آدم را با اسب میگیرد است در اینجا هم باید ذکر شود که اسب سوار را دولت نمیدهد و باید خود محل بدهد این از برای چه چیز است؟ برای احتیاج دولت و وزارت جنک است حالا که وزارت جنکی که باید سوار را با اسب بگیرد و میگوید من اسب را لازم ندارم در اینصورت آقا میفرمایند باید لایحه بمجلس پیشنهاد کرد و از مجلس شورای ملی استجاز نمود که سوار را از دادن اسب معاف کنند؟ البته این صحیح نخواهد بود .

آقا شیخ محمد حسن گروس - خوب بود آقا اول مقصود بنده را کما بنیفتی ملتفت می‌شوید آن وقت رد می‌گردند اولاً چه سرباز و چه اسب هر دو تجمل است هیچ تفاوت نمیکند و جنبه تجمل باید بروفق مقررات مجلس باشد نمیشود وزارت خانه با يك وزیر بعضی مقررات را تغییر و تبدیل بدهد هیچ تفاوت نمی‌کند که تجمل شخص باشد یا اسب باشد همین طور که نمی‌تواند در فلان محل یا فلان قریه چند نفر سرباز را معاف کند اسب را هم نمی‌تواند جنبه تجمل در هر دو یکسان است و هیچ فرق ندارد بنا بر این چنانچه در اینماده پیش بعضی تغییرات و تبدیلات در اشخاص را معمول بوزارت جنک فرمودند و گفته شد بموجب هرج و مرج و بی ترتیبی است عیناً همان مسئله در اینجا هم هست و همان حکم را دارد

محدث السلطنه - در آخر ماده سوم نوشته شده است (مگر مواردی که وزارت جنک آنها را معاف نماید) نمی‌خواهم آقای مخبر توضیح بدهند که آیا این مسئله راجع بیک مجله‌های بخصوص است که معاف می‌کند یا نسبت بهم؟ استمداد محلی است که وزارت جنک آنها را معاف می‌کند

سردار سهیل مخبر - همانطوریکه بعضی از آقایان اظهار کردند اسب‌هایی که از برای سوار گرفته میشد چندین قسم بود بعضی ایلات هستند همانطور که گفته شد چون اسب دادند وقتی می‌آمدند و اسب خودشان را می‌آوردند و بکار نمیبردند و اگر اسب میبرد يك پول دافی از طرف دولت به آنها داده میشد بعضی جاها بود که ایلات مخصوصی نبوده‌اند و اسب زیادی نداشته‌اند ولی نظر با احتیاجی که در

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ ماده چهار قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده چهارم - کلیه عده نفقات قشون بنیچه محلی فعلاً هفتاد و پنج هزار نفر خواهد بود .

حاج عز الممالک - قانون لازم الاجرا است همین که در این ماده ذکر شد قشون ایران هفتاد و پنج هزار نفر است لابد وزارت جنک مبنای عملیاتی را از

آن زمان ها بوجود سوار بود از طرف دولت بعضی کمک ها و مساعدت ها با سوار یا با بنیچه سوار میشد مثلاً در حدود ایران چه در آذربایجان و چه در خراسان بعضی املاک خالصه بود که آنها را به آن عده سوار که از برای خدمت حاضر میشدند واگذار میکردند و در مقابل آن هوارض خالصه می یعنی آن سه کوئی که باید از آنها بگیرند اسب میخواست مثلاً يك دهی که باید سیصد خروار مالیهات بدولت بدهد دولت از مالیهات خودش صرف نظر میکرد از برای اینکه آن بنیچه یا صد سوار حاضر باشند و از خورشان اسب داشته باشند و بدرد کار بخورند ولی اخیراً یعنی از ده سال یا نوزده سال قبل که تصور کردند این احتیاج کم شده است بیشتر آن دهات خالصه برگشته و فروخته یا بخشیده شده و از میان نرفته است و سوارهایی که آنجا بوده‌اند بکلی بی پا شده‌اند چون بنیچه هم نداشته‌اند که بتوانند تهیه اسب کنند این است که در اینجا نوشته شد در بعضی جاها که این صورت را دارد و بی پا هستند نمی‌توانند از عهده اسب برآیند از دادن اسب معاف باشند

ناصر الاسلام این توضیحی که آقای مخبر در مقابل سؤال یکی از نمایندگان دادند بنده را هیچ قانع نکرد زیرا که میگویند مجله‌هایی که سابقاً صد سوار میدادند حالا هم مکلفند صد اسب بدهند این مربوط بقدرت صاحبان آن محل است یعنی مجله‌هایی که سابق قادر بوده‌اند و اسب میدادند امروز هم که وزارت جنک می‌بیند قادر بدادن سوار و اسب سوار هستند کما فی السابق باید مطالبه سوار یا اسب سوار بکنند اما اینکه بطریق اطلاق مبنویسد که هر وقت وزارت جنک خواست آنها را معاف کند تصور میکنم این ماده يك لاستیک بیاید خواهد کرد که در هرجا بخواهند سوار را از دادن اسب معاف بکنند خواهند کرد بنا بر این معتمد که این مطالب را مقید کنند به نظامنامه که در وزارت جنک ترتیب داده خواهد شد که محدود بیک حدودی باشد .

معاون وزارت جنک - این ماده مخصوص که این قسم تصویب شده است باین نظر است که سابقاً يك سوار یا چند سوار را که وزارت جنک سر خدمت می آورد بعضی اوقات که اسب های آنها تلف میشد دولت در عرض يك پول دافی بآنها میداد چون آن سوار فی الفور نمی‌تواند اسب تهیه کند و آن پول دافی را که دولت میدهد باندازه پول اسب نیست بنا بر این نوشته شده است آن شخص را که خودش اسب میدهد و وزارت جنک از وجود او استفاده میکند موقتاً او را از دادن اسب معاف کند این معافیتی که در اینجا قید شده برای این قبیل موارد است .

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ ماده چهار قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده چهارم - کلیه عده نفقات قشون بنیچه محلی فعلاً هفتاد و پنج هزار نفر خواهد بود .

حاج عز الممالک - قانون لازم الاجرا است همین که در این ماده ذکر شد قشون ایران هفتاد و پنج هزار نفر است لابد وزارت جنک مبنای عملیاتی را از

روی همین ماده قرار خواهد داد در صورتیکه ما در ماده سابق تصریح کردیم که دستجات سواره و پیاده و توپخانه باید مطابق دستور سابق یعنی آن نتیجه که سابق معمول بوده است باشد و بطور معمول سابق سربازهای خودشان را بدهند بنده عدس صبح یعنی عدد بلا تخلف قشون ایران را نمی توانم عرض کنم زیرا اطلاع کاملی ندارم و همینقدر میدانم آن اندازه که معمول بوده است از صد هزار نفر بیشتر بوده است حالا اگر مادر این ماده تصریح بهفتاد و پنج هزار نکنیم در صورتیکه مطابق ماده قبل بایستی هر محل سوار و سرباز و توپچی را بدهد بین این ماده و ماده قبل ضمیمه حاصل خواهد شد و اگر بخواهیم ضمیمه حاصل نشود باید بوزارت جنگ اجازه بدهیم که از میان آن عده که باید از برای خدمت حاضر کند یک عده را بمیل خودش خارج کند و یک عده را داخل کند بنده مثل این کار را بان کمیسیون کدر زمان فترت و در زمان انفصال مجلس در وزارت جنگ تشکیل شده بود امیزم در آن کمیسیون یک جدولی و یک اسامی از افواج سواره و پیاده و توپخانه ایران ترتیب داده بودند و یک قسمت از افواج ایران را بدون جهت انداخته بودند درست است که در آنجا پنجاه و چند هزار قشون از برای ایران تصور کرده بودند ولی فرق نمی کند هفتاد و پنج هزار هم که گفتیم باز یک قسمتی از قشون حذف میشود و از قلم خواهد افتاد منتها نسبت بان عده که آنها نوشته بودند چهار فوج دیگر اضافه خواهد شد مثلاً در آن صورت فرضاً فوج گردان کرمانشاهان فوج ظفر صدرستان نبود فوج کجا نبود سوار کجا نبود حالا بچه نظر کمیسیون وزارت جنگ این عده را حذف کرده بود معلوم نیست پس بنظر بنده بایستی که یا عده صحیح و یا اقلاً بالغ بر صد هزار نوشته شود بجهت اینکه وزارت جنگ مکلف است از همان محل ها این سوار و سرباز را که از قدیم معمول بوده است بگیرد بنده نمیگویم که این صد هزار نفر در تحت السلاح باشند و دولت ایران همیشه بانها جیره و مواجب سر خدمت بدهد همین قدر میگویم اساس نتیجه باید همان قسمی باشد که تا بحال معمول بوده است و باید کسر نشود بجهت اینکه ما نمی دانیم از کدام محل کسر میکنند و این حق را نمی توانیم بهیچ وزارتخانه بدهیم که خودش یک قسمتی از قشون ایران را کسر کند منتها آن قسمتی که باید سر خدمت باشند آنرا بر حسب لزوم معین میکنند در هر سال در هر نقطه چقدر قشون لازم است آنوقت جیره و مواجب آنها را هم بدهد بایش بینی خواهد کرد پس این ماده با تصریح بهفتاد و پنج نفر بعقیده بنده صحیح نیست .

سردار سعید مخبر - ماخذ اطلاع آقای

حاج هزالمالك سالنامه معموله عهد ناصر الدین شاه است که همه ساله چاپ میشد و در آنجا عده سوار و سرباز و توپچی نوشته میشد و در آنجا یکصد و پنجاه هزار با اسم قشون دولت ایران اسم برده میشد و بنده هم نوشته میشد قشون ذخیره پنجاه هزار نفر و نبود که ذخیره کجاست و ماخذ پنجاه هزار نفر از کجاست ولی با حسابی که در وزارت جنگ شده است بطوریکه که آقای سردار معظم توضیح نمودند سه قسم سرباز گیری ممکن بود یکی خدمت اجباری و دیگری

بنیچه و سومی داوطلب که این قسم اخیرچه در وزارت جنگ و چه در کمیسیون مجلس بکلی رد شد و اگر با دقت بهمان اسامی که در سالنامهها نوشته میشد نظر بفرمایند آنجا خواهند دید که بقدر همین عده ها یعنی بیست و پنج هزار نفر یا قدری کمتر یا بیشتر عده قشون داوطلب بوده است مثلاً یک فوجی که عده اش هزار نفر بوده است وقتی که صد نفر یا دویست نفر از آن عده هم بیاید و بنیچه اش کافی نبود و نمیتوانستید دویست نفر را بدهند آنوقت یکمده دویست نفری داوطلب میگردفتند و منضم به آن فوج میکردند آنکه یک فوج تمام شود یا یک دسته سوار یا یک دسته توپچی تمام حاضر شود پس از آنکه وزارت جنگ تصدیق کرد باید قشون داوطلب منسوخ شود و ببرد دولت نمیخورد و کمیسیون هم تصدیق کرد آنها بخودی خود از میان رفته و میروند چنانچه الان جز دو دسته توپچی که یکمده آنها در خراسان در سر خدمت هستند دیگر قشون داوطلب باقی نمانده است پس قشون بنیچه با آن صورتی که معین شده است بیشتر از پنجاه هزار نفر باقی نماند و لازم هم نیست ما یک عده صد هزار نفری بنویسیم در صورتیکه آن صد هزار نفر را نداریم بنابراین همان عده معینه را خواهیم داشت اما اینکه میفرمایند لازم نیست تمام آنها در سر خدمت داشته باشیم البته دقت فرموده اند که در اینجا هم نوشته شده است که این مسئله بسته به بودجه است که از مجلس شورای ملی میگذرد و هر اندازه که بودجه تصویب کرد همان اندازه در سر خدمت حاضر خواهند شد و هر چه تصویب نشد در محل خواهد ماند تا در موقعی که وجود آنها لازم باشد حاضر خواهند شد .

حاج شیخ ابراهیم زنجانی - تعیین

هفتاد و پنج هزار نفر بهیچوجه صحیح نیست بجهت اینکه اگر سابقاً بیشتر از این بوده است یعنی مثلاً صد هزار نفر بوده است و حالا بنویسیم هفتاد و پنج هزار نفر معلوم نیست بقیه آنرا از کجا حذف خواهیم کرد در اینصورت باید یک ماده باشد که معین کند از تمام محلهها یک ربع کم خواهد شد و الان میشود گفت از صد هزار نفر بیست و پنج هزار نفر کم میکنیم این صحیح نیست پس همانکه سابقاً بود باید دید چقدر است و همان را بباخذ قرار داد چنانچه اگر صد نفر زیاد شود نخواهیم دانست به کجا تعبیل کنیم همچنین اگر صد نفر هم کم شود نخواهیم دانست از کجا حذف خواهد شد لهذا باید کمیسیون بهمان حساب سابق عده را معین کند **معاون وزارت جنگ** - با توضیحاتیکه قبلاً آقای مخبر دادند گمان میکنم جواب این سوالات داده شده باشد چنانچه گفتند در قدیم محل قشون وزارت جنگ صد هزار نفر بوده ولی از این صد هزار نفر داوطلبها که بتدریج موقوف شد بعضی افواج هم بواسطه سرکشی های محل مثل افواج فارس و خراسان لغو شدند یا بعضی سوارها که تقلیل شدند و تبدیل بیک مقدار کمی سوار شده اند پس از موضوع شدن آنها در اوایل مشروطیت هشتاد و سه هزار ماخذ قشون دولت ایران بوده است از این هشتاد و سه هزار نفر هم عده داوطلب بوده اند و یکی سه هزار و شصده نفر توپچی داوطلب بوده و همین طور سوار و قسمتهای دیگر افواج داوطلبی بوده که چون اساس

سردار معظم - بنده در اینماده اشکال کوچکی دارم و آن سن (۱۸) ساله است چنانچه در این موضوع مکرر عرض کرده ام سن ۱۸ ساله را کوچک میدانم اگر در مملکت خودمان تاریخ و شهادت نامه تولد میداشتیم که بطور قطع میتوانستیم (۱۸) ساله معین کنیم بنده مخالفت نمیکردم و چنانچه در پیشهاد خودم پیشنهاد کرده ام نظر بنده این است که اگر سن را یک قدری بالاتر بگیریم و ۲۰ ساله قرار بدهیم ممکن است در عمل ۱۸ ساله را بپذیریم زیرا یک جوانی که میگوید من ۲۰ سال دارم بطور تحقیق نمیشود معین کرد که ۱۸ سال دارد یا ۲۰ سال ولی همیشه یک دو سالی بالاتر یا پایینتر میتوان معین کرد ولی اگر ماخذ ۱۸ سال باشد میترسم تنزل ب۱۶ و ۱۵ سال شود و این اندازه سن کم است و تصدیق خواهند فرمود که جوان ۱۶ و ۱۵ ساله ببرد سرباز نمیخورد حالا اگر موافقت بفرمایند که سن ۲۰ معین شود که فرضاً در عمل هم همان ۱۸ ساله داخل شود و کمتر از ۱۸ ساله داخل نشود بعقیده بنده بهتر است .

حاج عزالامالك بنده هم نمی خواستم قشون داوطلب را داخل در این لایحه کنم شاید مقصود بنده هم در معنی بانظر آقای معاون و آقای مخبر موافق باشد ولی اینماده نظر هیچ کدام را چنانچه توضیح دادند نپسارند زیرا آقایان نمیگویند قشون بنیچه ایران تماماً با داوطلب صد هزار نفر بوده است بنده هم میدانم که البته قشون ایران داوطلب داشته است بعضی جاها بوده است که ابتدا معمول نبوده قشون بدهند مهلتاً در موقع احتیاج بطور داوطلب در سر خدمت حاضر می شدند این یک چیز علیحده است بنده این را داخل در این لایحه نمی دانم مقصود بنده هم در این لایحه قشون بنیچه است در اینجا یک عدد ۷۵ هزار نفر نوشته شده است اگر در مقابل این عدد کمیسیون صورتی مرتب کرده بود و تمام قشون سواره و پیاده را که در ایران از بنیچه گرفته میشود شرح داده بود و جمع میبست ۷۵ هزار نفر میشد آنوقت بنده قانع بودم و با این ماده مخالفت نمیکردم حالا هم همین تقاضا را دارم که کمیسیون عده قشونی را که تا بحال دولت از روی بنیچه میگردفته است همان را بنویسند و همان را ماخذ قرار بدهند و چون اگر زیاد تر از ۷۵ هزار نفر باشد معلوم نیست از کجا کسر میکنید و اگر کمتر باشد معلوم نیست بکجا اضافه میکنند بنابراین این ماده ناقص است و بایستی از روی آن جدول پیشنهاد شود .

رئیس - مذاکرات کافی است یک فقره پیشنهاد از طرف شاهزاده سلیمان میرزا رسیده قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)
مقام محترم ریاست مجلس - بنده پیشنهاد مینمایم که ماده چهارم چنین نوشته شود : کلیه عده نفرات قشون بنیچه محلی فعلاً یکصد هزار نفر خواهد بود .

رئیس - آقای مخبر قبول دارید ؟
مخبر - با آن توضیحاتی که داده شد باز هم قبول میکنم بکمیسیون رجوع بفرمائید .
رئیس - ارجاع میشود بکمیسیون ماده پنج قرائت میشود .

سردار معظم - بنده در اینماده اشکال کوچکی دارم و آن سن (۱۸) ساله است چنانچه در این موضوع مکرر عرض کرده ام سن ۱۸ ساله را کوچک میدانم اگر در مملکت خودمان تاریخ و شهادت نامه تولد میداشتیم که بطور قطع میتوانستیم (۱۸) ساله معین کنیم بنده مخالفت نمیکردم و چنانچه در پیشهاد خودم پیشنهاد کرده ام نظر بنده این است که اگر سن را یک قدری بالاتر بگیریم و ۲۰ ساله قرار بدهیم ممکن است در عمل ۱۸ ساله را بپذیریم زیرا یک جوانی که میگوید من ۲۰ سال دارم بطور تحقیق نمیشود معین کرد که ۱۸ سال دارد یا ۲۰ سال ولی همیشه یک دو سالی بالاتر یا پایینتر میتوان معین کرد ولی اگر ماخذ ۱۸ سال باشد میترسم تنزل ب۱۶ و ۱۵ سال شود و این اندازه سن کم است و تصدیق خواهند فرمود که جوان ۱۶ و ۱۵ ساله ببرد سرباز نمیخورد حالا اگر موافقت بفرمایند که سن ۲۰ معین شود که فرضاً در عمل هم همان ۱۸ ساله داخل شود و کمتر از ۱۸ ساله داخل نشود بعقیده بنده بهتر است .

حاج شیخ یوسف - بنده در سه جلسه قبل از مقام ریاست مجلس شورای ملی استدعائی کردم که آقای رئیس الوزراه را بمجلس شورای ملی دعوت فرمایند که بنده دوسه سؤال راجع باوضاع بنادر از آقای رئیس الوزراه بنمایم نمی دانم دعوت شده اند یا خیر .

رئیس - هر وقت سؤالی داده شود فوراً نوشته میشود کوتاهی نشده است .

حاج شیخ یوسف - پس بنده استدعا میکنم که تا کید بفرمائید زودتر تشریف بیاورند و این چند سؤالی بشود

رئیس - بسیار خوب تا کید میشود (مجلس مقارن غروب ختم شد)

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه دوم شهر ذی حجه ۱۳۲۷
مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملك تشکیل و بصورت مجلس روز یکشنبه بیست و نهم ذیقده قرائت شد غائبین با اجازه - حاج سید اسدالله قزوینی مشارالیه و ناصر الاسلام - منتصر السلطان - مصیر الملك آقای شیخ رضا دهخوارقانی غائبین بدون اجازه - نجفقلی میرزا - محمد هاشم میرزا - شیخ الملك

رسیده است قرائت میشود و بعد جلسه را ختم می کنیم .

(بمضمون ذیل قرائت شد)
رئیس - آقای مخبر قبول دارید ؟
مخبر - خیر .
رئیس - پس باید بقبایل توجه بودنش رأی بگیریم .

سردار معظم - اجازه میفرمائید توضیح بدهم ؟
رئیس - بفرمائید

سردار معظم - دلایلی که ذکر شد هیچ کدام بنده را قانع نکرد حتی اینکه آقای معاون که متوسل بقوانین شروع شدند برای اینکه حتماً ۱۸ ساله باشد و بیست ساله نباشد اولاً در تمام جاها این حد بطور واحد نیست که حتماً هر کس بسن ۱۸ رسید داخل خدمت شود تا بیست و یکسال هم هست بر فرض هم که در سایر جاها که ۱۸ سال را برای خدمت نظامی قبول کنند در آنجا مقتضیاتی هست که در اینجا آن مقتضات مفقود است اولاً در پاره جاها خدمت نظامی اجباری و عمومی است و میخواهند دامنه عده نفرات را که داخل نظام میشوند وسیع کنند ولی در اینجا خدمت نظامی ما اجباری خصوصی است حتی ماهمه ساله یک عده جوانهای خودمان را مامف میکنیم پس ما این احتیاج را نداریم و ثانیاً چنانچه عرض کردم و میفرمائید در مملکت ما میشود بطور تحقیق سن را معین کرد و اگر بگویند ۲۰ ساله باشد بهتر قبول خواهیم کرد بجهت اینکه تازه بعد رشد رسیده و قوایش زیادتر و بهتر میتواند از عهده خدمت برآید ولی میترسم که برعکس اگر کمتر بگویند بد بشود یعنی وقتی که در قانون ۱۸ سال را معین کردیم آنوقت معلوم نیست بچه ترتیب ممکن است ما بین ۱۷ و ۱۶ و ۱۸ ساله فرق گذاشت پس بهتر این است که در قانون یک قدری سن را زیادتر معین کنیم که در عمل همان ۱۸ ساله هم داخل خدمت نظامی شود پس از این نقطه نظر همان طوریکه ما بین ۱۸ و ۲۸ ده سال فاصله است از بیست ناسی قرار بدهیم بهتر است و اینکه آقای مخبر فرمودند ۱۸ یک عدد معینی است بنده عرض میکنم شاید عدد بیست از حیث اعداد منظم تر و مرتب تر باشد پس از این نقطه نظر هم که باشد خوب است همانطوریکه در پیشنهاد های سابق موافقت کردند در این پیشنهاد هم موافقت کنند بجهت اینکه تصور میکنم این پیشنهاد با مطالعه اطراف کار نوشته شده است .

رئیس - رأی میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان بنیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

رئیس - قابل توجه شد .

ناصر الاسلام - بنده هم یک پیشنهادی در ماده دوم کرده بودم

رئیس - میفرستم بکمیسیون جلسه آتی هر روز ۳ شنبه سه ساعت بفرورب مانده و دستور آن بقیه شور در قانون سرباز گیری خواهد بود آقایان که تشریف میبرند اولاً باید تشریف ببرند بشعبات هیئت رئیسه

معاون وزارت جنگ - توانائی افراد قشون از سن چهل ببعد رو بانحطاط میکند ولی در این اواخر که ملل مسلحه بقاء و دوام خودشانرا بزور قوه نظامی دانستند امروز قوه نظامی بنام ملل مسلحه نامیده شده اند از چهل تا چهل و پنج تجاوز کرده

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملك تشکیل و بصورت مجلس روز یکشنبه بیست و نهم ذیقده قرائت شد غائبین با اجازه - حاج سید اسدالله قزوینی مشارالیه و ناصر الاسلام - منتصر السلطان - مصیر الملك آقای شیخ رضا دهخوارقانی غائبین بدون اجازه - نجفقلی میرزا - محمد هاشم میرزا - شیخ الملك